

رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید (کووید-۱۹) (با نگاهی به شرایط سیاسی-اجتماعی ایران)

حیدر شهرياری*

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

همانند هر پدیده جغرافیایی و طبیعی ای (مانند سیل، زلزله، تغییرات زیست محیطی و...) که پیامدهایی برای زیست سیاسی-اجتماعی انسانها دارد، به نظر می رسد، پدیده ویروس کرونای جدید نیز از زمان گسترش، به ویژه از زمان همه گیری آن، پیامدهایی برای زندگی سیاسی-اجتماعی انسانها داشته است که توجه اندیشمندان و آشنایان به علوم سیاسی-اجتماعی را به خود جلب کرده است. بررسی آثار، پیامدهای احتمالی، و راهکارهای نبرد با آن، از زمان همه گیری این ویروس، نیازمند رویکردهای علمی و دانشگاهی

* (نویسنده مسئول) استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (he.shahriari@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۶

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۸۲-۱۴۷

مستحکمی است تا مسیر سیاست‌گذاری کنونی و آینده دولت‌ها را به‌درستی هموار و هدایت کند. در این راستا، نوشتار حاضر با هدف بررسی و شناسایی الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید با رویکرد رفتارشناسی (روش تبیینی-علی) و به‌صورت اکتشافی، به این نتیجه دست یافته است که الگوی واگرایی واقعی و همگرایی مجازی، محتمل‌ترین و مناسب‌ترین الگوی پیشنهادی برای شناسایی و بررسی رفتار اجتماعی-سیاسی ویروس کرونای جدید است؛ با این توضیح که درحالی‌که ویروس کرونای جدید موجب واگرایی پدیده‌های اجتماعی-سیاسی‌ای همچون جامعه مدنی، دولت‌ها، اعتراض‌ها، و خواسته‌های سیاسی در زندگی واقعی و عینی انسان‌ها شده است، زمینه‌های شدت‌گیری روند ورود انسان‌ها به فضای مجازی و گسترش ارتباطات شبکه‌ای و تعاملی را نیز فراهم کرده است. توجه به الگوی یادشده، مقامات و متصدیان سیاسی و اجتماعی ایران را در رویارویی با پیامدهای احتمالی آن در آینده پیش‌رو، آماده‌تر و برنامه‌ها و راهبردهای عملی‌تر و منطقی‌تر را ضروری می‌کند.

واژگان کلیدی: ویروس کرونای جدید، رفتارشناسی سیاسی-اجتماعی، واگرایی واقعی، همگرایی مجازی، شرایط سیاسی-اجتماعی ایران

مقدمه

پیش از مرحله همه‌گیری جهانی ویروس کرونای جدید، موسوم به کووید-۱۹، کمتر اندیشمندی به فکر اثرگذاری این پدیده بر عالم سیاست و اجتماع بود، اما اکنون که به مرحله همه‌گیری رسیده و جوامع زیادی را به خود درگیر کرده، توجه اندیشمندان سیاسی-اجتماعی را به بررسی پیامدها، الگوی رفتاری، و راهکارهای مقابله با آن جلب کرده و به‌ظاهر، هر یک از آن‌ها در راستای جهان‌بینی و پارادایم فکری خویش و نیز با تأثیرپذیری از رویکرد خوش‌بینانه یا بدبینانه خویش از روند تحولات جهانی، به تحلیل و واکاوی آن می‌پردازند. طرح بحث‌هایی همچون «شکست بزرگ نسخه لیبرالیسم سرمایه‌داری»^(۱) پس از بحران کرونا، از نوام چامسکی (اندیشمند چپ‌گرا)، «جهان پساکرونا و مراقبت بیشتر سکان‌داران آمریکا از ارزش‌های دموکراتیک و گذار بی‌خطر از این بحران»^(۲) از هنری کیسینجر (اندیشمند راست‌گرا) و برخی از اندیشمندان اثرگذار دیگر در این حوزه از یک‌سو، و ارائه تحلیل‌های پراکنده، ژورنالیستی، یادداشتی، و... توسط آشنایان به علم سیاست از سوی دیگر، طیف گونه‌گون و گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که ارزیابی تحلیل‌های آن‌ها و واقعی بودن سخنشان را می‌بایست در همان چارچوب پارادایمی، یعنی پس‌زمینه فکری آنان در عالم سیاست و اجتماع، جست‌وجو کرد. به بیان روشن‌تر، بسیاری از تحلیل‌های موجود درباره پیامدها، الگوی رفتاری، و راهکارهای مقابله با گسترش ویروس کرونای جدید، در دو سوی یک طیف قرار می‌گیرند که یک‌سوی آن، سخن از جهان پساکرونایی (یعنی جهانی مبتنی بر نظم نوین و بی‌فروغ شدن ارزش‌های جوامع سیاسی غرب) است و سوی دیگر، سخن از تشدید یا استمرار وضعیت فعلی جهان (یعنی استمرار یا تشدید نظم فعلی جهانی و قوت گرفتن ارزش‌های جوامع سیاسی غرب) است که بسیاری از سخنان و تحلیل‌های موجود در این زمینه، بر مدار

رهیافت یا پس‌زمینه فکری حاکم بر خط‌مشی تحلیلی اندیشمند موردنظر و نیز تصلب نگاه خوش‌بینانه یا بدبینانه وی به وضعیت فعلی و آینده جهان قرار دارد.

اما ورای تحلیل‌های بالا و پیش از ارائه هرگونه داوری و واکاوی آن‌ها، «آیا می‌توان به‌گونه‌ای دیگر در مورد اثرگذاری این ویروس بر جوامع سیاسی اندیشید؟» به بیان دیگر، «آیا می‌توان رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس را براساس روند اثرگذاری فعلی و واقعی آن بر فضای سیاسی-اجتماعی تحلیل کرد؟» آشکار است که پاسخ‌گویی به این پرسش، یعنی پرسش اصلی این نوشتار، الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید، براساس واقعیت‌ها و هست‌های موجود را نشان خواهد داد. اما پیش از پاسخ‌گویی به آن، باید به نکته مهمی — که پرسش زمینه‌ای نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد — توجه داشت؛ نکته اینکه، مگر پدیده کرونای جدید بر زندگی سیاسی-اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد که اندیشمندان یادشده، بی‌درنگ و با اشتیاق، پیامدهای آن را یک‌به‌یک برشمرده و از جهان پساکرونایی سخن گفته یا وضعیت جهان آتی را تشدید وضعیت فعلی دانسته‌اند؟ به بیان دیگر، مگر قرار است چنین پدیده‌ای، ماهیت عالم سیاست در جوامع سیاسی کنونی را عوض کند یا دست‌کم، بر روند فعلی فرایندهای سیاسی اثر بگذارد؟ طرح این نکته یا پرسش که زمینه‌ساز ورود به کانون اصلی نوشتار حاضر، یعنی شناسایی الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید است، از آنجا مهم به‌نظر می‌رسد که پیش از شناسایی هرگونه الگوی رفتاری این ویروس، لازم است اثرگذاری یا عدم اثرگذاری آن بررسی شود و آن‌گاه، در صورت پذیرش یا تأیید اثرگذاری، الگوی رفتاری آن، شناسایی و تحلیل شود. بدیهی است که هم به‌لحاظ منطقی و هم با توجه به مطالب بالا، ادعای شناسایی رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس، بدون بررسی پذیرش و تأیید اثرگذاری آن، به‌ویژه در شرایطی که پدیده‌ای بسیار نوظهور و ناشناخته است، جای تردید و شبهه فراوان دارد.

از این‌رو، نوشتار حاضر درصدد است، با توجه به مسائل یادشده و با به‌کارگیری رویکرد رفتارشناسی سیاسی-اجتماعی (روش تبیینی-علی) و به‌گونه‌ای اکتشافی، به الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید، دست یابد و آن را برای تحلیل برخی از موضوعات سیاسی-اجتماعی به‌آزمون بگذارد؛ بنابراین، در ادامه، ابتدا پیشینه

کوتاهی از موضوع و پاسخ به پرسش زمینه‌ای نوشتار (اثرگذاری یا عدم اثرگذاری ویروس کرونای جدید بر زندگی سیاسی-اجتماعی انسان‌ها) ارائه شده و آن‌گاه از رهگذر پاسخ به این پرسش، الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس به‌تصویر کشیده شده است. سپس، برخی از مسائل یا موضوع‌های اجتماعی-سیاسی، به‌عنوان شواهدی برای ارزیابی الگوی یادشده، به‌آزمون گذاشته می‌شوند و درنهایت، این الگوی رفتاری در مورد شرایط سیاسی-اجتماعی ایران بررسی می‌شود. نکته شایان‌توجه این است که نوشتار حاضر، به‌سبب نو بودن یا ناشناخته بودن مسئله پژوهش و همچنین، به‌دلیل تلاش نگارنده برای رسیدن به الگو یا فرضیه‌ای در راستای تحلیل رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید، پژوهشی اکتشافی به‌شمار می‌آید.

۱. پیشینه پژوهش

از آنجاکه موضوع نوشتار حاضر، نو و بدیع است، تاکنون پژوهش‌های گسترده و جامع -چه به‌لحاظ کیفی و چه به‌لحاظ کمی- در مورد آن به‌ندرت انجام شده است و پژوهش‌های کم‌شمار موجود نیز بیشتر در حوزه‌های پزشکی، سلامت، و روانشناختی بوده‌اند و چنانچه در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی نوشته شده باشند، بیشتر از نوع مقاله‌های کوتاه، ویژه‌نامه، و ارائه دیدگاه‌های نظری هستند که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

مهناز علی‌اکبری دهکردی و دیگران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای روان‌شناختی کووید-۱۹ برای مبتلایان به این بیماری: یک مطالعه موردی»، که به زبان انگلیسی و در «مجله ایرانی روانشناسی سلامت» چاپ شده است، پژوهش‌های خود را به‌گونه‌ای کمی و بر روی نمونه‌های مبتلا به ویروس کرونای جدید در استان بوشهر انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از این است که نمونه‌های موردبررسی، پیامدهای روانشناختی‌ای همچون ترس از مرگ، افسردگی و اضطراب، کاهش فعالیت‌های اجتماعی، احساس طردشدگی از سوی اجتماع، کاهش ارتباط مؤثر با خانواده و جامعه، و احساس لکه ننگ بودن از سوی جامعه را تجربه کرده‌اند.

نیکولاس لانگ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «از فاصله‌گیری اجتماعی تا بازدارندگی اجتماعی: بازتاب جامعه در مقابل همه‌گیری ویروس کرونا» با انتقاد از سیاست یا راهبرد فاصله‌گیری اجتماعی که در آن افراد و گروه‌ها، منزوی می‌شوند و خطر انزوای اجتماعی را در پی دارد، راهبرد بازدارندگی اجتماعی را پیشنهاد می‌دهد. از آنجاکه راهبرد فاصله‌گیری اجتماعی، هزینه‌های زیادی دارد و امکان ادامه آن برای مدت طولانی وجود ندارد، لازم است که راه‌های جدید و جایگزینی دنبال شود. از آنجاکه راهبرد بازدارندگی اجتماعی هم مسائل بهداشتی را در نظر می‌گیرد و هم به ظرفیت‌ها و مسائل جمعیت‌شناختی به این ترتیب که انسان‌ها در حالی که با دیگران در تعامل هستند و از زندگی لذت می‌برند، مسائل بهداشتی را رعایت می‌کنند - توجه دارد، بهترین جایگزین است.

محمدعلی حاجی ده‌آبادی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «از بحران کرونا تا بحران سیاست جنایی» با طرح مسئله پیامدهای بحران کرونا بر سیاست جنایی، برپایه گزارش‌های رسانه‌ای موجود در کشورهای اسلامی و غیراسلامی، به این نتیجه رسیده است که بحران کرونا موجب بحران سیاست جنایی شده است و اگر چاره‌اندیشی لازم انجام نشود، ممکن است سبب مشروعیت‌بخشی به الگوی اقتدارگرایی فراگیر سیاست جنایی شود که نتیجه آن کاهش روزافزون آزادی‌های فردی و افزایش خودکامگی دولت‌ها خواهد بود.

حدیجه کشاورز (۱۳۹۹) در مقاله کوتاهی با عنوان «ویروس کرونا، ما نظاره‌کنندگان نگران و توسعه روابط انسانی» که در ویژه‌نامه «جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران» و توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری چاپ شده است، توسعه روابط انسانی را راهکار مقابله با این بحران دانسته و تأکید کرده است که عواملی همچون ضرورت مداخله اقتصاد با هدف حمایت از اقشار فرودست، آموزش از راه دور، ضرورت توجه بیشتر به همسایگان و اطرافیان، و مصالحه میان کار و زندگی، از جمله عواملی هستند که پیامدهای منفی بحران کرونا را کاهش می‌دهند.

۲. اثرگذاری ویروس کرونا بر زندگی سیاسی-اجتماعی

نگاهی به پژوهش‌ها و اظهارنظرهای ویروس‌شناسان و متخصصان علم پزشکی در مجله‌ها، تارنماها، و گفت‌وگوهای گوناگون، گویای این واقعیت است که ماهیت، ابعاد، و ویژگی‌های ویروس جدید تاحدودی ناشناخته مانده و به همین دلیل است که دیدگاه‌های مطرح‌شده باوجود برخی همانندی‌ها، تاحدودی متفاوت و گاهی متعارض است. براین اساس، لازم است که دانش‌پژوهان رشته‌های دیگر که درباره اثرگذاری این ویروس بر حوزه پژوهشی خود، تحقیق و پژوهش می‌کنند نیز سنجه‌ها و شاخص‌هایی را در نظر بگیرند تا در صورت قبض و بسط آن شاخص‌ها، آینده‌پژوهی یا پیش‌بینی اثرگذاری این ویروس بر مسائل پژوهشی خود را بهتر دریابند. در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی نیز یافتن شاخص‌هایی برای تحلیل پیامدهای احتمالی (و نه قطعی) ویروس کرونای جدید بر رفتار سیاسی و اجتماعی، لازم و ضروری است؛ ازاین‌رو، در مورد پرسش زمینه‌ای نوشتار حاضر، یعنی اثرگذاری این پدیده بر زندگی سیاسی-اجتماعی، به نظر می‌رسد که دو مؤلفه «زمان» و «شدت» مهم‌ترین مؤلفه‌ها باشند؛ با این توضیح که هرچه «زمان» حضور این ویروس در جوامع طولانی‌تر شود، اثرگذاری آن بر فضای سیاسی-اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. اهمیت این مؤلفه به‌این سبب است که چنانچه گستره زمانی حضور این ویروس با موفقیت یک واکنش یا پادویروس کوتاه‌تر شود، یا فاصله‌گذاری اجتماعی و بهداشت فردی، زنجیره چرخش یا توالی این ویروس را در «زمان» کوتاه‌تری بگسلد، آن‌گاه سخن گفتن از پیامدهای عمیق یا شاید محدود این ویروس بی‌جا و نامربوط است. چه اینکه هنوز جوامع سیاسی جهان — به‌جز در برخی مسائل اقتصادی، آن هم به‌گونه‌ای بسیار محدود که کاملاً جبران‌پذیر است — دستخوش دگرگونی عمیق و حتی محدود ناشی از این ویروس نشده‌اند، اما آشکار است که چنانچه «زمان» حضور آن طولانی‌تر شود، پیامدهایش نیز بر فضای سیاسی-اجتماعی بیشتر خواهد شد؛ ازاین‌رو، حضور زمانمند این ویروس به‌صورت فصلی، یا حضور درازمدت آن، در زیست سیاسی-اجتماعی جوامع گوناگون،

1. Time
2. Intensity

به لحاظ منطقی، بر رفتارهای سیاسی و اجتماعی انسان‌ها در یک گستره زمانی طولانی‌تر (نسبت به گستره زمانی کوتاه‌تر) تأثیر بیشتری خواهد داشت و یافتن راهکارهای رویارویی با آن به‌منظور اثرپذیری کمتر را ضروری‌تر و نمایان‌تر می‌کند. مؤلفه دیگری که به «شدت» حضور این ویروس اشاره دارد، دارای ابعاد جغرافیایی و زیستی است؛ با این توضیح که هرچه گستره جغرافیایی شیوع و انتشار این ویروس از یک‌سوی و آثار و تلفات جانی و انسانی آن از سوی دیگر، بیشتر شود، جوامع سیاسی نیز بیشتر زیر تأثیر رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس قرار خواهند گرفت. شاید در نگاه نخست، طرح این نکته به‌ظاهر با توجه به شناسایی ابعاد و ویژگی‌های این ویروس توسط متخصصان پزشکی و ویروس‌شناسی، شگفت‌آور باشد، اما همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، با نگاهی به تفاوت و پراکندگی دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط متخصصان پزشکی و ویروس‌شناسی می‌توان دریافت که هنوز همه ابعاد و ویژگی‌های رفتار فیزیکی آن، شناسایی نشده و شاید متخصصان مربوطه در کوتاه‌مدت در این‌مورد به وحدت‌نظر نرسند. بی‌تردید، شناسایی ابعاد و ویژگی‌های این ویروس و شدت اثرگذاری آن بر مرگ و زندگی انسان‌ها، بر واکنش سیاسی-اجتماعی انسان‌ها و ضرورت ارائه راهکارهای مقابله با آن تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ به‌عنوان مثال، براساس گزارش‌های برخی از کارشناسان پزشکی و ویروس‌شناسی، به‌موازات توالی بیشتر این ویروس از فردی به فرد دیگر، به همان اندازه، تلفات جانی و انسانی یا همان کشندگی آن نیز کمتر می‌شود، که به‌لحاظ منطقی، با گذر زمان، کاهش نگرانی و دلهره افراد در مورد آن و در نتیجه، کاهش اثرگذاری آن بر رفتار سیاسی-اجتماعی افراد را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، توانایی و ظرفیت انتشار این ویروس در ابعاد فیزیکی، جغرافیایی، و انسانی از یک‌سو، و تضعیف یا تقویت قوای جسمانی انسان‌ها برای رویارویی با آن، از سوی دیگر، بر شدت اثرگذاری آن بر رفتار سیاسی-اجتماعی انسان‌ها مؤثر خواهد بود. افزون‌بر مؤلفه‌های یادشده، لازم است مؤلفه‌های دیگری همچون شکیبایی، بردباری، و مقاومت انسان‌ها در رویارویی با راهکار قرنطینه‌خانگی و فاصله‌گذاری اجتماعی و نیز ارزش‌های سیاسی-اجتماعی حاکم بر جوامع گوناگون، یعنی اولویت آزادی یا امنیت جانی را به مؤلفه‌های بالا افزود. این مؤلفه‌ها نیز به‌این‌سبب مهم هستند که آستانه شکیبایی و بردباری افراد در رویارویی با قرنطینه‌خانگی، پس از

گذشت زمان کمی، کاهش می‌یابد و افراد خسته‌شده و درمانده از قرنطینه خانگی، به‌ناچار ممکن است آزادی را بر ترس/هرگ ترجیح داده و حصار قرنطینه خانگی یا فاصله‌گذاری اجتماعی را بشکنند؛ «هرچند برخی از پژوهش‌های انجام‌شده به تأثیرات روانی حاصل از ابتلا به ویروس کرونا پرداخته‌اند (گانگ و دیگران^۱، ۲۰۲۰) یا مشکلات روانی همچون احساس تنش، آشفتگی، غمگینی و تنهایی ناشی از ترس از ابتلا به ویروس کرونا (سیبلی و دیگران^۲، ۲۰۲۰)، یا دیگر مشکلات روانی ناشی از قرنطینه خانگی همچون افسردگی، اضطراب، تنهایی، نارضایتی، سرگیجه، و ترس از بیماری‌هایی همچون سارس (لی و دیگران^۳، ۲۰۱۵) را بررسی کرده‌اند، اما از آنجاکه این ویروس نمی‌تواند بقای انسان‌ها را تهدید کند (براساس آمارها تنها دو تا سه درصد تلفات جانی دارد) با افزایش خستگی و بی‌حوصلگی افراد از قرنطینه خانگی و فاصله‌گذاری اجتماعی و در نتیجه، کاهش ترس و نگرانی از این ویروس از یک‌سو، و اولویت یافتن دوباره «آزادی» بر «امنیت جانی» از سوی دیگر، تأثیر این ویروس بر رفتار سیاسی-اجتماعی انسان‌ها به‌مراتب کاهش خواهد یافت؛ نمونه آشکار این امر، جوامع اروپایی هستند. به‌نظر می‌رسد، در کنار عوامل جغرافیایی، طبیعی، جمعیتی، و... آنچه بر افزایش آمار مبتلایان و مرگ‌ومیر ناشی از این ویروس در کشورهای اروپایی نسبت به کشورهای دیگر جهان (به‌عنوان نمونه، کشورهای مشرق‌زمین)، اثرگذار بوده است، شیوه زندگی آزادی‌خواهانه یا ارزش‌های لیبرال حاکم بر این جوامع بوده است؛ ارزش‌هایی همچون آزادی، لذت بردن و در حال زندگی کردن در جوامع مغرب‌زمین در تقابل با راهکار قرنطینه خانگی و حتی فاصله‌گذاری اجتماعی هستند و این مهم، مهار و کنترل این ویروس را مشکل‌تر کرده است. حتی برعکس، در جوامعی که غم‌نان از حفظ جان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، نه‌تنها ترس از این ویروس به مضحکه تبدیل می‌شود، بلکه پس از گذشت زمانی اندک، افراد مشتاقانه برای رهایی از زندگی مشقت‌بار، به‌سوی آن می‌شتابند و آن را عاشقانه در آغوش می‌کشند؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد، همه این مؤلفه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، پزشکی، و سلامت، بر

1. Gong et al
2. Sibley et al
3. Lee et al.

اثرگذاری ویروس کرونای جدید بر رفتار سیاسی-اجتماعی انسان‌ها تأثیر بسزایی خواهند داشت و کماکان سخن گفتن از جهان پساکرونایی و... آنچنان مبتنی بر مدار واقعیت نباشد و تنها گذشت زمان می‌تواند این مسئله پیچیده را آینده‌پژوهی کند.

۳. الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی کرونای جدید

در مورد پرسش اصلی نوشتار حاضر، یعنی امکان شناسایی الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس، به نظر می‌رسد، آنچه تاکنون از رفتار و سبک زندگی ما انسان‌ها - که قابل مشاهده بوده و - به لحاظ بهداشتی و حفظ سلامت متأثر از رفتار این ویروس بوده، مسئله «فاصله‌گذاری اجتماعی یا فیزیکی»^۱ بوده است. براساس نظر متخصصان پزشکی و سلامت، مراد از فاصله‌گذاری اجتماعی یا فیزیکی در این زمینه و در معنای حداقلی آن، حفظ مسافت یا فاصله (از یک‌وونیم متر بیشتر) بین افراد، پرهیز از گردهمایی، یا فاصله گرفتن از مکان‌های شلوغ به منظور عدم انتشار این ویروس به افراد^(۲) دیگر و در معنای حداکثری آن، به معنای قرنطینه خانگی به عنوان یک راهکار موقتی تا زمانی است که یک راهکار دائمی پیدا شود. اما به لحاظ اجتماعی-سیاسی، هر چند مفهوم فاصله‌گذاری اجتماعی تاحدودی الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس را نشان می‌دهد و به لحاظ فیزیکی و همچنین به لحاظ روانشناسی اجتماعی در هر برهه‌ای از شیوع بیماری‌های همه‌گیر، «رفتارهای اجتنابی» انسان را به منظور عدم ابتلا به بیماری موجود در پی دارد (اسچالر و دیگران^۲، ۲۰۱۵)، اما نمی‌تواند دامنه اثرگذاری این ویروس بر زندگی سیاسی-اجتماعی یا دامنه رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس را به خوبی و به گونه‌ای گسترده نشان دهد، زیرا اگرچه این ویروس فاصله فیزیکی افراد را در جهان اجتماعی افزایش داده است، اما در ساحتی دیگر، فاصله آن‌ها را در جهان مجازی بیش از پیش و با شدت بیشتری کاهش داده است؛ درحالی‌که، این مفهوم تنها به فاصله فیزیکی انسان‌ها در جهان اجتماعی اشاره دارد و به فاصله سیاسی-اجتماعی انسان‌ها اشاره‌ای نمی‌کند؛ بنابراین، با توجه به این مفهوم و با هدف زدودن

1. Physical or Social Distancing
2. Schaller et al.

کاستی‌های آن، به نظر می‌رسد مفهوم «فاصله‌گذاری (واگرایی) واقعی»^۱ و «نزدیکی (همگرایی) مجازی»^۲ یا در یک عبارت کوتاه‌تر و صریح‌تر: «واگرایی واقعی و همگرایی مجازی» بهتر بتواند رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس را نشان دهد. «واگرایی واقعی» به معنای فاصله گرفتن انسان‌ها در جهان فیزیکی و در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی است؛ یعنی ماهیت زندگی اجتماعی انسان‌ها که تا دیروز، بر گرد محور نزدیکی بین انسان‌ها و تولید محصولات اجتماعی همچون آداب، رسوم، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، و... می‌چرخید، از رهگذر فرایند واگرایی واقعی، ممکن است دچار تغییراتی شود، یعنی الگوهای حاکم بر آن ممکن است تغییراتی به خود ببیند.

افزون‌براین، هم‌زمان با فاصله گرفتن انسان‌ها در فضای اجتماعی واقعی، آن‌ها به همان اندازه و حتی شاید بیشتر، به همگرایی مجازی روی می‌آورند. بی‌تردید، در زندگی کرونایی^(۳) کنونی، افزایش نزدیکی هر فرد با فضای مجازی (ایترنت و...) و از این طریق، با انسان‌های دیگر، نه تنها بیشتر شده است، بلکه ابعاد و گستره وسیع‌تری به خود گرفته است؛ امری که خود به خوبی نشانگر کاهش واگرایی یا افزایش همگرایی انسان‌ها در ساحت دیگری از جهان اجتماعی است؛ به بیان دیگر، اگرچه زیست سیاسی-اجتماعی انسان‌ها در یک ساحت از زندگی (یعنی فضای واقعی) دچار کاستی‌هایی شده است، به ظاهر، در ساحت دیگری (یعنی فضای مجازی) جبران شده و رابطه انسان‌ها با همدیگر به لحاظ همگرایی یا واگرایی، دچار تغییرهای شدیدی نشده است. در اینجا نکته قابل تأمل این است که از آنجاکه امروزه، همه ابزارهای فضای مجازی می‌توانند بر گرد محور اینترنت به هم پیوند یابند و از آنجاکه، به قول مانوئل کاستلز (۲۰۰۱)، «کاهش اینترنت» همه تاروپود زیست اجتماعی-سیاسی انسان‌های هزاره سوم را درنوردیده است، ورود به فضای مجازی اینترنت به معنای نوعی زیست اجتماعی-سیاسی و در نتیجه، همگرایی اجتماعی-سیاسی است که هم‌زمان با زندگی واقعی به پیش می‌رود. اگرچه همگرا بودن یا حضور انسان‌ها در فضای مجازی اهمیت چشمگیری دارد زیرا بخش مهمی از زیست سیاسی-اجتماعی انسان‌ها را در دوره

1. Real Distancing (Divergence)
2. Virtual Closeness (Convergence)

کنونی دربر می‌گیرد. انسان‌ها تا زمانی می‌توانند خواسته‌ها، آرزوها، انتظارات، نگرش‌ها، و افکار مجازی خود را بروز دهند که وارد فضای اجتماعی واقعی شوند و بتوانند در این فضا نیز همگرا شده و به هم نزدیک شوند، و این، مسئله یا معضلی است که به واسطه رفتار سیاسی ویروس کرونای جدید به وجود آمده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد، الگوی «واگرایی واقعی و همگرایی مجازی»، الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس در معنای گسترده و ساده‌خویش باشد که تمام ابعاد زیست سیاسی-اجتماعی انسان‌ها را درنوردیده و کماکان به رفتار خود ادامه می‌دهد. به بیان دیگر، فضای داخلی و خارجی جوامع سیاسی در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی از یک سو، دچار شکاف یا فاصله شده است، اما از سوی دیگر، در فضای مجازی، تلاش روزافزونی به منظور کاهش این فاصله از رهگذر فهم مسائل یکدیگر و یافتن درمان و چاره انجام می‌شود.

اکنون به منظور روشن شدن الگوی بالا، یعنی واگرایی واقعی و همگرایی مجازی، ابتدا پیشینه مفهومی و نظری واگرایی و همگرایی در علوم اجتماعی و انسانی، بررسی می‌شود، آن‌گاه با توجه به بررسی انجام‌شده، ناهمانندی‌ها، همانندی‌ها، و خط سیر مفهوم واگرایی و همگرایی تا واگرایی واقعی و همگرایی مجازی در الگوی رفتاری ویروس کرونا به تصویر کشیده می‌شود.

۴. واگرایی واقعی و همگرایی مجازی

واگرایی در لغت به معنای «دوری و دور شدن» (تباعد) و در مقابل، همگرایی به معنای تقارب و نزدیک شدن است (عمید، ۱۳۸۹). در علم فیزیک نیز «همگرایی نور به این معنا است که پرتوها یا اشعه‌های موازی نور در یک نقطه مشترک به هم می‌رسند و واگرایی نور، جدا شدن پرتوهای موازی نور از هم است». در معنایی نزدیک به معنای یادشده، همگرایی به معنای «تقارب و همسویی در مقابل ناهمگرایی» (خداپرستی، ۱۳۹۵) تعبیر شده است. در حوزه یا حیطه علوم انسانی، جوهران گالتونگ، همگرایی را فرایندی تعریف می‌کند که «براساس آن، دو یا چند بازیگر، یک بازیگر جدید را تشکیل می‌دهند.... برعکس، عدم همگرایی، فرایندی است که براساس آن، یک بازیگر به دو یا چند بازیگر تقسیم می‌شود. هنگامی که این

فرایند تکمیل شد، می‌توان گفت که بازیگر، تجزیه شده و از هم پاشیده است» (محمدی، ۱۳۷۱: ۴۸)؛ در حوزه علوم سیاسى نیز، به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی، «منظور از همگرایی سیاسى، همگرایی در نهادها یا سیاست واحدهای مختلف سیاسى است» (کولایى، ۱۳۷۹: ۱۵۶)، و در سطح سیاست خارجی، همگرایی به‌معنای «اقدام هماهنگ و همساز گروهى از کشورها» (کولایى، ۱۳۷۹: ۱۵۶) و واگرایی سیاسى «به عدم ترغیب واحدهای سیاسى به همکاری و اشتراک مساعى در عرصه سیاست بین‌المللى» (افضلى و محمدجانی، ۱۳۸۷) (توسط برخى از کارشناسان سیاسى) تعبیر شده است.

در برخى از موضوع‌های سیاسى-اجتماعى، همچون جهانی‌شدن نیز — که موضوعى بین‌رشته‌ای است — افرادی همچون جورج ریتزر، عبارت «همگرایی جهانی» را به‌کار برده‌اند و آن را معادل «مک‌دونالد شدن» می‌دانند؛ به‌این‌معنا که سمت‌وسوى جهانی‌شدن در راستای فرآورده‌های محصولات فرهنگى، اجتماعى، اقتصادى، و سیاسى است که از مغرب‌زمین سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۹۳۳).

اما در علم جامعه‌شناسى، از زمان پیدایش تاکنون، مفهوم‌سازی و پردازش نظریه‌ای با عنوان واگرایی و متضاد آن، یعنی همگرایی، به‌گونه‌ای مستقیم — دست‌کم توسط بزرگان علم یادشده — ساخته و پرداخته نشده است؛ باین‌حال، مفهوم‌هایی وجود دارند که به‌گونه‌ای غیرمستقیم مفاهیم واگرایی و همگرایی را بازتاب می‌دهند. در واقع، از زمان آگوست کنت، به‌عنوان پدر علم جامعه‌شناسى جدید، و تأکید وی بر توافق اجتماعى به‌عنوان تنها راه‌حل استمرار جامعه، تا جامعه‌شناسان پسین‌تری همچون گى‌روشه و تأکید وی بر هماهنگى یا همنوایى، مفهوم‌هایی پدید آمده‌اند که تا حدودى به‌معنا و مفهوم واگرایی و متضاد آن، یعنی همگرایی، نزدیک هستند؛ مفهوم‌هایی مانند توافق، همبستگى، ستیز، شکاف، پیوستگى، و...

به‌نظر کنت، توافق یا نظم اجتماعى، مبنای ایستایی و ثبات جامعه است، زیرا جامعه به‌وجود نمی‌آید، مگر اینکه اعضایش اعتقادهای یکسان یا توافق ذهنى داشته باشند (آرون، ۱۳۶۶: ۹۰). دورکیم (۱۳۹۸) نیز — که از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسى است — مفهوم همبستگى و گسیختگى را به‌پیش می‌کشد؛ به‌این‌ترتیب که مادامی‌که همبستگى بین بخش‌ها و اعضاى جامعه در راستای برآورده شدن نیازهای کارکردى وجود داشته

باشد، آنگاه، استمرار و تداوم جامعه امکان‌پذیر می‌شود و مادامی‌که نیروهای برهم‌زننده، گسیختگی جامعه را دامن زنند، وضعیت آنومی بر جامعه حکمفرما خواهد شد. متأثر از رویکرد دورکیمی، برخی از پیروان وی، همچون پارسونز، نظم و وفاق اجتماعی را اساس حفظ و تداوم جامعه می‌دانند. وفاق، یعنی «توافق کلی بین افراد و گروه‌ها، هم در اندیشه و هم در احساس» (آویت و باتامور، ۱۳۹۲)؛ «وفاق، به معنای هماهنگی، سازگاری، همراهی، یکدلی، و یک‌جهتی است و نقطه‌مقابل نفاق و ناسازگاری و ناهماهنگی است» (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

در سوی دیگر، مارکس و برخی از جامعه‌شناسان متأثر از وی، همچون کوئیس کوزر و دارن‌دورف، «ستیز اجتماعی» را عامل استمرار جامعه و حرکت تاریخی آن می‌دانند (ریتزر، ۱۳۸۸: ۱۵۹ و ۱۶۷). برخی از جامعه‌شناسان پسین‌تر، همچون گی‌روشه، نیز از تعبیر تطابق یا هم‌نوایی استفاده کرده‌اند؛ به این معنا که شخص، میزانی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را با حاشیه‌ای از آزادی در تصمیم‌گیری شخصی می‌پذیرد (روشه، ۱۳۸۷: ۱۸۵-۱۸۴) و این، پایه‌ماندگاری و زیست جامعه است. مفهوم «تعاملات» نیز تعبیر دیگری است که برخی از جامعه‌شناسان پسین‌تر از آن یاری جسته‌اند: تعاملات پیوسته «کنش‌های متقابلی هستند که در جهت یگانه‌ای صورت می‌گیرند، اما تعاملات گسسته، کنش‌های متقابلی هستند که جهت یگانه‌ای ندارند» (آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۲۸). افزون‌براین، تعبیر «شکاف اجتماعی» نیز تعبیری است که برخی جامعه‌شناسان از آن یاد کرده‌اند؛ به‌ویژه اینکه در مسئله پژوهش حاضر، یعنی رفتار سیاسی-اجتماعی و بیروس‌کرونای جدید و پیامدهای آن، می‌توان از شکاف‌های تاریخی و نه ساختاری یاد کرد؛ به این ترتیب که چنین پدیده‌هایی، در یک مقطع تاریخی و در پی رخداد ویژه‌ای به وجود می‌آیند و ممکن است در جامعه دیگر با تاریخ دیگری چنین شکافی پدید نیاید (اسمیت^۱، ۱۹۷۲: ۳۶-۱۱).

اما مراد نگارنده از طرح پیشینه مفهوم‌های واگرایی و همگرایی چه بوده است؟ نخست اینکه، سیر پژوهشی و نظریه‌پردازی مفهوم‌های واگرایی و همگرایی به ما نشان می‌دهد، فارغ از دوری یا نزدیکی مفهومی، مهم‌ترین دغدغه جامعه‌شناسان بوده است؛

1. Smith

بنابراین، به نظر می‌رسد، جامعه‌شناسان، توجه ویژه‌ای به جامعه‌ای باثبات و پیامدهای آن، یعنی گسترش رفاه عمومی، ترویج آزادی، تقویت آرامش اجتماعی، و... داشته‌اند و این مهم، در نظریه‌های آن‌ها حاصل نمی‌شود، مگر با شناخت عوامل و مؤلفه‌های برهم‌زنندهٔ ثبات از یک سو، و قرار گرفتن جامعه در مسیر قوانین بنیادی-تاریخی آن از سوی دیگر؛ از این رو، پدیدهٔ ویروس کرونای جدید و پیامدهای آن برای جامعه را باید از این زاویه یا نقطه نظر تحلیل کرد؛ به این معنا که آیا ویروس کرونای جدید بر تعادل، نظم، وفاق، ثبات، و قوانین بنیادی-تاریخی جوامع تأثیر می‌گذارد و در صورت اثرگذاری، الگوی رفتاری و حرکتی آن چگونه است. دوم اینکه، پردازش مفهوم‌های همگرایی و واگرایی در قاموس پژوهش‌های جامعه‌شناختی (به جز چند پژوهشگر اجتماعی که معنایی تقریباً متفاوت با آنچه در این نوشته آمده است را در نظر داشته‌اند) تا حدودی ناشناخته و گمنام است؛ به ویژه زمانی که مراد نگارنده را از دو حوزهٔ متفاوت، اما کنکاشی همگرایی مجازی و واگرایی واقعی نیز در نظر بگیریم؛ نکتهٔ مهم دیگر اینکه، مفهوم‌هایی همچون همبستگی، ستیز، وفاق، شکاف، و... از نظر جامعه‌شناسان، به عنوان قوانین بنیادی-تاریخی آزادی، رفاه، و آرامش اجتماعی ساخته و پرداخته شده‌اند، اما مفاهیم واگرایی و همگرایی در نوشتار حاضر، به عنوان قوانین بنیادی-تاریخی جامعه در نظر گرفته نشده‌اند، بلکه با هدف شناسایی رفتار سیاسی برخی پدیده‌ها، با در نظر گرفتن ویروس کرونای جدید، پیشنهاد شده است؛ به عنوان نمونه، واگرایی واقعی در فضای فیزیکی جامعه - که امروزه به سبب گسترش ویروس کرونای جدید به وجود آمده است - ناشی از ستیز یا عدم وفاق یا وجود نیروهای گسیختگی جامعه نیست، بلکه دقیقاً برعکس، به دلیل وفاق یا توافقی است که بین اعضای جامعه سیاسی به منظور عبور از این بحران به وجود آمده است، و این در حالی است که مراد جامعه‌شناسان از پردازش مفاهیم همبستگی، وفاق، شکاف، ستیز، و... شناخت قوانین بنیادی-تاریخی جامعه از یک سو، و جلب توجه حاکمان سیاسی به دوراندیشی و توجه جدی به قوانین یادشده از سوی دیگر، بوده است؛ از این رو، طرح الگوی همگرایی مجازی و واگرایی واقعی، افزون بر یاری‌گیری از مفهوم‌های برجسته نزد جامعه‌شناسان، می‌تواند ضمن زدودن کاستی‌های آن‌ها در مسئله مورد پژوهش، جهت‌گیری و مسیریابی آن‌ها را در برخی از مسائل اجتماعی-سیاسی، با توجه به رفتار اجتماعی-سیاسی ویروس کرونای جدید، هدایت و هموار کند. سوم اینکه، مفهوم‌های

همبستگی، وفاق، ستیز، و... در پهنه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، بیشتر ناظر بر فضای عینی یا فیزیکی جامعه بوده و به‌جز برخی از جامعه‌شناسان پسین، کمتر اندیشمندی، پردازش مفهوم‌های یادشده را به فضای مجازی، به‌معنای امروزی کلمه، گسترش داده است؛ بنابراین، از کناکشی که بین فاصله‌گیری فیزیکی در فضای واقعی جامعه از یک‌سو، و مهاجرت شبکه‌ای افراد به سوی فضای مجازی از سوی دیگر، به‌سبب گسترش ویروس کرونای جدید، به‌وجود آمده است، طرح مفهوم واگرایی واقعی و نیز متأثر از آن، طرح مفهوم همگرایی مجازی، بهتر می‌تواند رفتار اجتماعی-سیاسی ویروس کرونای جدید در کهکشان اینترنت را واکاوی کند. چهارم اینکه، صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن اصطلاح همگرایی مجازی و واگرایی مجازی یا ورای نقد و انتقادهایی که به این اصطلاح وارد است، آنچه مهم است، مسئله پژوهش است؛ یعنی رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس که در ساحتی از زندگی سیاسی-اجتماعی انسان‌ها، باعث فاصله‌گیری اعضا و بخش‌های جامعه شده، اما در ساحت دیگر، زمینه‌های تکثر، بیشتر شدن، و نزدیکی انسان‌ها را فراهم کرده است و این مسئله‌ای است که در نگاه اندیشمندان اجتماعی-سیاسی، به‌ویژه در پردازش مسئله‌ای خاص، کمتر مورد توجه بوده است.

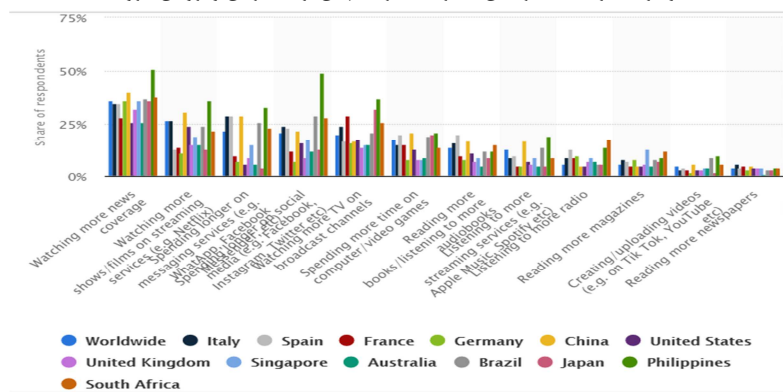
برپایه آنچه مطرح شد، معنا و مفهوم واگرایی واقعی، یعنی فاصله گرفتن انسان‌ها در محیط فیزیکی یا عدم تراکم در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی از یک‌سو و نیز معنا و مفهوم همگرایی مجازی از سوی دیگر، فهم‌پذیر و دسترس‌پذیر است؛ به‌ویژه، درک مفهوم واگرایی واقعی به‌دلیل تجربه درگیری افراد با ویروس کرونای جدید، آسان‌تر است، اما مفهوم همگرایی مجازی به چه معناست و روند آن پس از گسترش ویروس کرونای جدید چگونه بوده است.

اگرچه مفهوم همگرایی رسانه‌ای، به‌معنای «به‌جریان افتادن محتوای چندرسانه‌ای‌ها، همکاری میان شرکت‌های چندرسانه‌ای، و مهاجرت مخاطبان رسانه‌ها به‌لحاظ رفتاری به هر جایی که در پی تجربه سرگرمی باشند» (جنکینز^۱، ۲۰۰۶: ۲)، بیشتر توسط برخی از پژوهشگران علوم رسانه ساخته و پرداخته شده است، اما مفهوم همگرایی مجازی که در این نوشتار پر دامنه‌تر است—از یک‌سو به‌معنای افزایش

مهاجرت یا گسیل اعضای جامعه سیاسی-اجتماعی به درون فضای مجازی — به‌ویژه فضای اینترنت — و ازسوی دیگر، به‌معنای کوتاه‌تر شدن، افزایش یافتن، و هدفمندتر شدن ارتباطات بین اعضای جامعه سیاسی-اجتماعی در فضای مجازی است.

شاید بهترین مؤلفه‌ای که می‌تواند افزایش مهاجرت افراد به درون زندگی مجازی را ارزیابی کند، میزان استفاده اعضای جامعه اینترنتی از پایگاه‌های داده آن در روزهای زندگی کرونایی، در مقایسه با میزان استفاده از آن در روزهای زندگی پیشاکرونایی باشد؛ به‌بیان دیگر، به‌نظر می‌رسد، میزان مصرف بیشتر و غیرمنتظره استفاده از اینترنت از زمان گسترش ویروس کرونای جدید به‌این‌سو، در مقایسه با زمان‌های پیش‌از آن، نشانگر گرایش بیشتر و غیرمنتظره افراد به برآوردن نیازهای خود از رهگذر جهان اینترنتی است؛ امری که آمارهای جهانی مصرف اینترنت در این روزها نسبت به روزهای پیشین، گواهی بر درستی آن است؛ برپایه داده‌های وب‌سایت جهانی «استیستیک»، میزان افزایش استفاده جهانی از اینترنت در زمینه‌های گوناگون، پس از گسترش ویروس کرونا تا اوایل مارس ۲۰۲۰ به‌شرح زیر است.

نمودار شماره (۱). افزایش مصرف اینترنت پس از گسترش ویروس کرونا

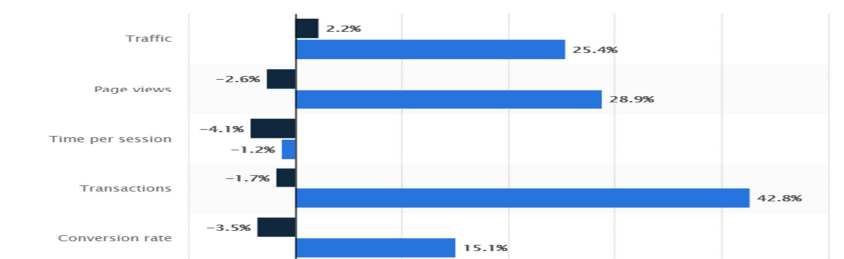


منبع: <https://www.statista.com>

برپایه داده‌های نمودار بالا، نخست اینکه، کشورهایی که درگیر ویروس کرونای جدید بوده‌اند، بیشترین میزان استفاده از فضای اینترنت را تجربه کرده‌اند؛ دوم اینکه، افزایش میزان استفاده از اینترنت در موضوع‌های گوناگون (مانند متوسط تماشای اخبار در کشورهای بررسی شده ۳۶ درصد، متوسط تماشای فیلم و کلیپ ۲۱ درصد، استفاده از

کتاب‌های الکترونیک ۱۴ درصد) از زمان گسترش ویروس کرونای جدید تا میانه ماه مارس، بسیار مشهود و دورازانتظار بوده است. دورازانتظار بودن، به این سبب که بستر و تسهیلات اینترنت از سال‌ها پیش در این کشورها وجود داشته و بسیاری از کاربران به گونه‌ای عادی و روزمره به میزان بسیار زیادی، در مقایسه با کشورهای دیگر، از این تسهیلات استفاده می‌کردند، اما رشد یا افزایش میزان استفاده از اینترنت در این دوره، تا حدود بیست درصد، بی سابقه و دورازانتظار است. براساس آمار دیگری که از همین سایت و در میانه آوریل (یعنی یک ماه بعد) انتشار یافته، میزان استفاده از اینترنت در موضوعات گوناگون، در مقایسه با آمار بالا، بیشتر شده است.

نمودار شماره (۲). افزایش میزان استفاده از اینترنت در میانه آوریل ۲۰۲۰



منبع: <https://www.statista.com/sta>

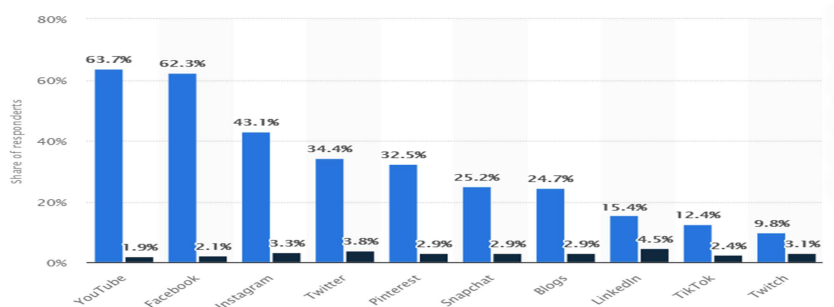
برپایه داده‌های نمودار شماره (۲)، آمار جهانی میزان استفاده از اینترنت در میانه ماه آوریل، نسبت به ژانویه و فوریه ۲۰۲۰، ۲۵ درصد افزایش یافته است که این رقم در مورد مشاهده صفحه‌های اینترنتی ۲۸/۵ درصد، نقل و انتقال‌های اینترنتی ۴۲/۸ درصد، و نرخ تبدیل سایت‌ها ۱۵/۱ درصد^(۴) نسبت به ماه‌های ژانویه و فوریه بوده است.

همچنین، براساس پرسشی که در دوازدهم مارس ۲۰۲۰ از ۴۲۵ پرسش‌شونده در مورد افزایش استفاده آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی در دوره کرونا، در صورت اجرای طرح فاصله‌گذاری اجتماعی، شده است، حدود ۶۳ درصد از پاسخ‌دهندگان، استفاده بیشتر از سایت یوتیوب را مطرح کرده‌اند. حدود ۶۲ درصد استفاده بیشتر از فیس‌بوک، و حدود ۴۳ درصد پاسخ‌دهندگان، استفاده بیشتر از شبکه اجتماعی اینستاگرام را ذکر کرده‌اند. آمارهای دیگر را می‌توان در نمودار شماره (۳) مشاهده کرد.

1. Conversion Rate

نمودار شماره (۳). درصد پاسخ‌دهندگان به استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی در روزهای کرونا در صورت

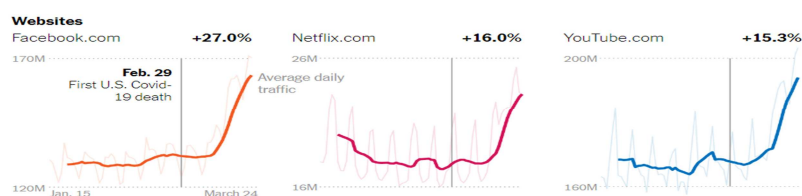
اجرای طرح فاصله‌گذاری اجتماعی



منبع: <https://www.statista.com>

پاسخ پرسش‌شوندگان بالا، نشانگر چاره‌جویی راهکاری است تا فاصله اجتماعی فیزیکی را از رهگذر شبکه‌های اجتماعی مجازی جبران کند. جالب اینکه در همان زمان (یعنی میانه ماه مارس) براساس آمار منتشرشده در روزنامه «نیویورک تایمز»، میزان ترافیک برخی از شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک، نتفلیکس، و یوتیوب نسبت به ماه گذشته، به ترتیب ۲۷ درصد، ۱۶ درصد، و ۱۵/۳ درصد افزایش یافته است؛ آماري که می‌تواند در ماه‌های بعدی نیز بیشتر افزایش یابد (نگاه کنید به نمودار شماره ۴).

نمودار شماره (۴). ترافیک شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، یوتیوب، و نتفلیکس در میانه مارس ۲۰۲۰



منبع: <https://www.nytimes.com>

بنابراین، برپایه آمارهای بالا، مهاجرت و گسیل افراد از فضای واقعی به فضای مجازی، امری مشهود و قابل توجه است؛ اما در مورد ویژگی یا بُعد دوم همگرایی مجازی، یعنی کوتاه‌تر شدن، افزایش یافتن، و هدفمندتر شدن ارتباطات در فضای مجازی در دوره کرونایی، هم به‌لحاظ نظری و هم به‌لحاظ عینی و عملی، تردیدی وجود ندارد. افرادی همچون مانوئل کاستلز، ون دایک، هکر، و... که مستقیم در

مورد جهان جدید اینترنتی سخن گفته‌اند، اینترنت را نه تنها مهم‌ترین رسانه در جهان جدید دانسته‌اند، بلکه بر کوتاه‌تر شدن ارتباطات بین انسان‌ها، افزایش ارتباطات و تعاملات^۱، و هدفمندتر شدن ارتباطات اینترنتی تأکید کرده‌اند.

گفتنی است، درحالی‌که در آغاز پیدایش و گسترش اینترنت در جهان، بیشتر از آن به‌عنوان ابزاری برای سرگرمی و تفریح یاد می‌شد، با توسعه و تعمیق آن، کاربردهای امنیتی، رفاهی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی‌اش روزبه‌روز برای افراد جوامع گوناگون آشکارتر شد (کاستلز، ۲۰۰۱؛ ون دایک^۲، ۲۰۱۸)؛ به‌عنوان نمونه، هدفمندتر شدن ارتباطات اینترنتی از زبان متیو پرینس، مدیرعامل کلودفلر^۳ به این شکل است که: «پیش از گسترش کرونا، پس از ساعت ۷:۳۰ شب، شاهد اوج مصرف اینترنت بودیم، اما این روزها، اوج مصرف اینترنت به ساعت‌های پیش‌ازظهر رسیده است. این امر می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد؛ برای مثال، بسیاری از دانشجویان و مردم عادی، ساعت‌های پیش‌ازظهر را برای برگزاری کلاس‌های مجازی یا نشست‌های ویدیویی خود انتخاب می‌کنند... به بیان روشن‌تر، کووید-۱۹ بیشتر از آنکه بتواند شبکه‌ها و شرکت‌ها را به‌زانو درآورد، سبب توسعه و ارتقای آن‌ها شده است. اکنون شرکت‌هایی همچون نتفلیکس و اکویینیکس^۴ — که بیش از ۲۰۰ مرکز داده^۵ در جهان دارند — برای اطمینان‌یابی از تأمین نیازهای کاربران خود، به ارتقای سیستم‌هایشان روی آورده‌اند و به سرعت تلاش می‌کنند تا هرگونه کاستی را در این زمینه برطرف کنند»^(۵). استفاده هدفمندتر از اینترنت در فعالیتهای آموزشی، اقتصادی، توسعه دولت الکترونیک (به‌ویژه در کشورهایمانند ایران در روزهای گسترش کرونا)، مراقبت‌های بهداشتی (نه تنها در زمینه جلوگیری از ابتلا به ویروس کرونای جدید، بلکه در مورد بیماری‌های دیگر)، و توسعه و کاربرد شبکه‌های اجتماعی در راستای رفع نیازها، همه‌وهمه، از یک‌سو،

1. Conectivity
2. Van Dijk
3. Cloudflare
4. Equinix
5. Data Center

موجب ارتقای هدفمندی و افزایش ارتباطات شده و ازسوی دیگر، انسان‌ها را در گره‌های اینترنتی^۱ (به قول کاستلز) به هم متصل کرده و زمینه‌های همگرایی افراد و جوامع را در فضای مجازی اینترنتی فراهم کرده است؛ ازاین‌رو، به نظر می‌رسد، هم‌زمان با واگرایی یا فاصله‌گیری افراد در فضای واقعی جامعه، توجه و مهاجرت انسان‌ها به فضای مجازی و نیز تعاملات شبکه‌ای و گره‌گاه‌های فضای مجازی - به همان اندازه و شاید کمی بیشتر - گسترش، تعمیق، و افزایش یافته است.

۵. نمونه‌هایی از تعمیم و کاربرد الگوی رفتار سیاسی و بیرونی جدید

پرسشی که ممکن است در اینجا به ذهن برسد، این است که چنین الگوی رفتاری‌ای چگونه عمل می‌کند و تا چه زمانی ادامه پیدا خواهد کرد؟ پاسخ به این پرسش شاید با ارائه و توضیح چند مثال، مشخص شود. ما در جوامع سیاسی گوناگون، شاهد موضوع‌ها و پدیده‌های مختلف سیاسی-اجتماعی (همچون جامعه مدنی، گروه‌بندی‌های سیاسی-اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتراض‌ها و مطالبات سیاسی، فقر اقتصادی-اجتماعی، فقر فرهنگی، جهانی‌شدن، ملی‌گرایی، منطقه‌گرایی داخلی یا بین‌المللی، کارگزار سیاسی یا حکومت، و...) هستیم که هر یک از آن‌ها نیز دارای تعریف، مفهوم، و قواعد خاصی است که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند. در ادامه چند مورد از آن‌ها همراه با عملکرد الگوی رفتاری «واگرایی واقعی» و «همگرایی مجازی» بررسی شده است.

- ملی‌گرایی: ملی‌گرایی در معنای مرسوم کلمه، به معنای جدایی گروهی از انسان‌ها از گروه دیگر است که واجد برخی ویژگی‌های مشترک هستند و در یک سرزمین مجزا زندگی می‌کنند (آشوری، ۱۳۸۱: ۳۲۰-۳۱۹) که به لحاظ تاریخی نیز با آغاز روند جهانی‌شدن در حال کم‌رنگ شدن بوده است. اکنون به نظر می‌رسد که با پیدایش زندگی کرونایی و در صورت تداوم آن، روند واگرایی گروه‌بندی انسان‌ها در قالب ملیت یا دولت دوباره به حالت گذشته برگردد. گفتنی است، دولت‌ها بیش از گذشته، محدودیت‌هایی را برای رفت‌وآمد شهروندان از کشورهای دیگر به کشور خود اعمال کرده‌اند، شهروندان کشورهای دیگر را به مثابه خطری امنیتی-بهداشتی

به‌شمار می‌آورند، کشورهای دیگر را در رشد و گسترش ویروس کرونای جدید مقصر می‌دانند، بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی ملی به‌منظور عبور از این بحران تأکید می‌کنند، و در مجموع، مؤلفه‌های سرزمینی فرهنگی-سیاسی خویش را نسبت به مؤلفه‌های سرزمینی فرهنگی-سیاسی کشورهای دیگر، پررنگ‌تر از گذشته نشان می‌دهند؛ روندی که اکنون تاحدودی قابل مشاهده است، اما به‌سبب وجود کهکشان اینترنت و همگرایی بیشتر انسان‌ها در فضای مجازی، به‌نظر می‌رسد، شدت فرایند جهانی‌شدن که تاکنون در حال گسترش بوده است، در دوره کرونایی دست‌کم در ابعاد فرهنگی، ارتباطی، بهداشتی، و اجتماعی بیشتر از گذشته خواهد شد و ملت‌های جهان، ورای هرگونه تمایز نژادی، قومی، و...، در کهکشان اینترنت از طریق همگرایی، همفکری، و همدردی، در پی یافتن راهی هستند تا زندگی آرمانی گذشته را از سر گیرند و حتی آن را در آینده، به‌گونه‌ای بهتر و مطلوب‌تر ادامه دهند؛ ملت‌هایی که به‌دلیل گسترش ویروس کرونای جدید؛ از هم فاصله گرفته و تاحدودی ترس و نگرانی و حتی بی‌زاری از هم را بروز می‌دهند. اما اینترنت جهانی، فضای ارتباطات گسترده، شبکه‌ای، و چندبعدی را به‌روی آن‌ها گشوده است تا در ساحت دیگر، یعنی فضای مجازی، احساسات، افکار، راهکارها، و فرهنگ مقاومت در مقابل این پدیده را به‌اشتراک بگذارند و بیش‌ازپیش حس تعلق به یک جهان مشترک که «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند» را در خود تقویت کنند.

ادگان مور، جامعه‌شناس فرانسوی، در این‌مورد در یادداشتی با عنوان «آنچه ویروس کرونا به ما می‌گوید»، تأکید کرده است که ساکنان کره زمین، بسیار به‌هم‌وابسته هستند و موفقیت در مقابل بحران کرونا، جز از طریق همبستگی جهانی امکان‌پذیر نیست (مور، ۲۰۲۰). یا به‌نوشته یکی از پژوهشگران، اگرچه در این دوره با دوگانه ناسیونالیسم و اینترناسیونالیسم روبه‌رو هستیم (به‌این‌معنا که ناسیونالیسم، رنگ‌ولعاب بیشتری نسبت به دوره پیش از کرونا پیدا کرده است)، اما با رشد اینترناسیونالیسم «پنجره‌ها [ی دیگری] گشوده می‌شوند تا انسان‌ها در تعامل با یکدیگر، بر بحران‌ها و دردهای مشترک چیره شوند. آن‌ها به‌کمک همدیگر، این درد و مشابه آن را فهم خواهند کرد و برای درمان آن،

دانش و فناوری‌های کشف‌شده و پیشنهادی را به یکدیگر عرضه می‌کنند. به این ترتیب، همه جهان در یافتن راه‌حل و غلبه بر معضل مشترک، به کمک یکدیگر خواهند آمد و با این یاری و دستیاری، تجربه ارزشمندی از تعامل جهانی را برای حراست از خود و برقراری صلح به‌جای خواهند گذاشت» و این امر امکان‌پذیر نخواهد شد، مگر از طریق توجه به «فضای ارتباطی بین‌المللی در تکنولوژی‌های نرم ارتباطی {و} ... حضور سایبری افراد و گروه‌ها و سمن‌ها و تشکل‌ها در حوزه صنعت و خدمات» (ماحوزی، ۱۳۹۹: ۴۴ و ۴۶).

– اعتراض‌ها و خواسته‌های سیاسی: در زندگی پیشاکرونا، ابزار اعتراض‌ها و خواسته‌های سیاسی، هم واقعی بود و هم مجازی؛ افزون‌براین، همگرایی واقعی بین افراد ناراضی در راستای طرح خواسته‌های سیاسی نیز مؤثرتر و بیشتر بود، اما به نظر می‌رسد، در زندگی کرونا، افراد ناراضی، به دلیل ترس و نگرانی از انتشار این ویروس، کمتر در راستای سازمان‌دهی و بسیج اعتراض‌های سیاسی در جهان واقعی تلاش کنند و در عوض، به جهان مجازی روی آورده و از طریق کهکشان اینترنت به سازمان‌دهی، هماهنگی، و کنش‌های اعتراضی مجازی بپردازند؛ بنابراین، بستر فضای مجازی، عامل تسهیل‌کننده بسیج همگرایانه کنش‌هایی است که آینده کنش‌های اعتراضی در زندگی واقعی را رقم می‌زند. این امر به آن معنا است که هرچند فضای مجازی، اعتراض‌ها و خواسته‌های کنشگران را مفهوم‌سازی و مفصل‌بندی می‌کند، مادامی که آن‌ها کنش‌های خود را به صحنه اعتراض‌های واقعی و عینی نکشانند، بی‌فایده و بی‌اثر است؛ بنابراین، چنین اعتراض‌هایی ممکن است در دوران پساکرونا، با سازمان‌دهی بهتر، مفصل‌بندی هدفمندتر، و قوت بیشتری پای به عرصه زندگی واقعی بگذارند و بساط حکومت‌های مقصر در دوره زندگی کرونا را در هم بپیچند.

روی دیگر داستان، توجه بیش‌ازپیش به حاکمان و کارگزاران سیاسی و تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری آن‌ها در رویارویی با این پدیده نوظهور است. در واقع، در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، حوزه سیاسی که تا پیش از گسترش ویروس کرونا، جدید، نسبت به حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی، از دید عموم به‌حاشیه رانده شده بود، بار دیگر مورد توجه عموم قرار گرفت و به‌عنوان مهم‌ترین حوزه تصمیم‌سازی در رویارویی با این پدیده مطرح شد. عملکرد کارگزاران سیاسی

در دوره کرونایی، بیش از اینکه توسط افراد در فضای واقعی ارزیابی و قضاوت شود، در فضای مجازی و توسط وبسایت‌ها، خبرگزاری‌ها، و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی منتشر می‌شود و در معرض دید و داوری و ارزیابی عموم قرار می‌گیرد. هرگونه خبر یا اظهارنظری در فضای مجازی، با واکنش‌های مثبت یا منفی کاربران بی‌شمار اینترنت روبه‌رو می‌شود، کنش‌های اینترنتی همگرایانه در رد یا تأیید آن را برمی‌انگیزد، و زمینه‌های ادامه یا اصلاح سیاست‌های موجود را فراهم می‌کند. از آنجاکه بحران کرونا «نباید به مشروعیت بخشی به نظام‌های اقتدارگرا بینجامد» (کشاورز، ۱۳۹۹: ۱۷)، در صورت بی‌توجهی کارگزاران سیاسی به انباشت تقاضاهای ورودی به نظام سیاسی در دوره کرونایی، خشم معترضان و قصاص مخالفان را در دوره پساکرونایی به همراه خواهد داشت.

– **منطقه‌گرایی:** منطقه‌گرایی به شکل رایج کلمه، به معنای ایجاد گروه‌بندی‌های منطقه‌ای به منظور مدیریت بهتر مشکلات و برآوردن منافع گروه موردنظر است^(۶). اکنون به نظر می‌رسد که گروه‌بندی‌های جغرافیایی-سیاسی (همچون ولایت‌ها، استان‌ها، و شهرستان‌ها) که در گذشته تنها نقش کنترلی را برای دولت مرکزی در یک کشور بازی می‌کردند، در زندگی کرونایی، ضمن حفظ نقش کنترلی خود، نقش مدیریتی جدیدی را به دست آورده‌اند که واگرایی آن را با گروه‌های دیگر منطقه‌ای افزایش داده است. به این ترتیب، هر گروه‌بندی منطقه‌ای، نه تنها بهتر از حاکمیت کلان مرکزی می‌تواند مشکلات و راهکارهای ویژه خود را بشناسد، بلکه در واقعیت نیز فاصله خود را با گروه‌های منطقه‌ای دیگر، به منظور کنترل و مدیریت بحران پیش آمده، افزایش داده است؛ با این حال، این گروه‌های منطقه‌ای، درون یک مرز جغرافیایی یا یک کشور، از طریق کهکشان اینترنت، بر سر دشواری‌ها، راهکارها، و قابلیت‌های زندگی کرونایی چانه‌زنی می‌کنند و تجربه‌های خود را نیز در چارچوب قواعد کسب منافع، با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند؛ به عنوان نمونه، واگذاری برخی از اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها به کارگزاران ایالت‌ها (توسط دولت فدرال آمریکا) در راستای رویارویی با بحران کرونای جدید و کاهش ارتباطات مسافرتی، کالایی، و جابه‌جایی‌های بین ایالت‌ها، نشانگر واگرایی ایالت‌ها در یک سطح است و در سطح دیگر، گسترش ارتباطات مالی، مراقبت‌های

بهداشتی پزیشکی، و به اشتراک گذاری تجربه‌ها و دستاوردها از رهگذر فضای اینترنتی، نشانگر همگرایی، هم‌اندیشی، و هم‌افزایی توانایی‌ها و قابلیت‌های هریک از ایالت‌ها در برابر ایالت دیگر برای رویارویی با بحران پیش آمده است.

در ایران نیز روند واگذاری برخی اختیارات دست‌کم در ابتدای بروز بحران کرونا- توسط دولت مرکزی و بر اثر فشار افکار عمومی، در راستای راهبرد تصمیم‌گیری منطقه‌ای (استانی) از یک سو، و توجه کارگزاران منطقه‌ای و عموم به فراگیری از تجربه‌ها و کسب قابلیت‌های مناطق دیگر، از رهگذر فضای مجازی، امری مشهود و ملموس است.

- فقر اجتماعی: در یک معنا، فقر به معنای نداشتن دارایی، اعم از ثروت، خرد، شأن، امکانات اجتماعی، و... است که در مقابل سرمایه، به معنای داشتن دارایی اعم از ثروت، خرد، شأن و امکانات اجتماعی قرار می‌گیرد. با اندکی دقت می‌توان دریافت که در مفهوم فقر، نوعی مفهوم واگرایی اجتماعی نهفته است؛ یعنی واگرایی بین فقیر و سرمایه‌دار که با شروع زندگی کرونایی و به احتمال زیاد با تداوم آن، چنین شکافی به گونه‌ای واقعی یا عینی بیشتر می‌شود، زیرا در شرایط واگرایی واقعی، گردهمایی فرودستان در بنگاه‌ها، کارخانه‌ها، و مراکز کاری و اداری، برای دستیابی به نیازهای ضروری دچار مشکل می‌شود و به این ترتیب، رفع آن‌ها را دشوارتر می‌کند؛ امری که به روشنی، نشانگر حضور مؤلفه واگرایی اقتصادی در پدیده فقر است، اما در کهکشان اینترنت، در کنار نزدیکی، هم‌اندیشی، و هم‌فکری بنگاه‌های گوناگون به‌طور خاص و افراد به‌طور عام، مسئله تداوم و چرخیدن موتور اقتصاد نیز اهمیت بسزایی دارد که به این منظور، بنگاه‌ها و افراد از طریق پدیده‌هایی همچون دورکاری، شبکه‌بندی، شیفت‌کاری، و... (که بدون ابزار فضای مجازی شدنی نیست) از یک سو و افزایش شغل‌های خدماتی مجازی از سوی دیگر، در راستای کاهش واگرایی اقتصادی (در اینجا به‌طور ویژه فقر) و پرهیز از گسیختگی ساختار اقتصادی تلاش می‌کنند.

کارگزار سیاسی یا حکومت: حکومت در معنای عام کلمه، کارگزار سیاسی است که کارویژه‌ها یا وظایف دولت را انجام می‌دهد. کارویژه‌های گوناگونی مانند وضع و اجرای قانون، توسعه و تأمین رفاه اجتماعی، حفظ نظم و امنیت عمومی، استخدام کارگزاران سیاسی، و... از جمله این موارد هستند (بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۰). بدیهی است

که بدون همگرایی و اجتماع کارگزاران (کارمندان و کارکنان حکومتی) در هریک از نهادها یا دستگاه‌های گسترده بوروکراسی (برای ایفای نقششان)، وظایف و کارویژه‌های حکومتی به آسانی انجام نمی‌شود. بحران کرونای جدید، اجتماع فیزیکی یا همکاری و هماهنگی کارکنان در محیط اداری را دگرگون کرده و موجب چاره‌اندیشی سران سیاسی در راستای انجام وظایف و کارویژه‌های حکومتی شده است. در این راستا، توجه به دولت الکترونیک و توسعه آن، بیش از هر زمان دیگری احساس شده است؛ به عنوان نمونه، ضرورت ایجاد و توسعه دولت الکترونیک در ایران در برنامه ششم پیش‌بینی شده بود، اما هیچ‌گاه به اندازه امروز احساس نشده است. طرح غربالگری ایرانیان از ابتدای گسترش ویروس کرونا، رفع همپوشانی بیمه‌ها، راه‌اندازی سامانه «سجاد» توسط وزارت علوم، و تقویت زیرساخت‌های الکترونیکی بانکی، مالی، و... در روزهای کرونایی، نشانگر احساس ضرورت مقامات سیاسی به منظور حل پاره‌ای از مشکلات در رویارویی با بحران پیش‌آمده بوده است. تعیین مهلت دولت برای راه‌اندازی غیرحضوری یا الکترونیکی ۴۰ مجموعه پرکاربرد دستگاه‌های اجرایی در مدت یک ماه^(۷)، اهمیت فضای مجازی را برای انجام کارویژه‌های دولت، دوچندان کرده است. در واقع، توسعه دولت الکترونیک از یک نگاه، به معنای کاهش مراجعه حضوری مردم به باجه‌های دولتی و افزایش فاصله یا عدم تجمع کارکنان در باجه‌های دولتی از یک سو و افزایش مراجعه مردم و کارکنان دولت به گره‌ها یا شبکه‌های الکترونیکی از سوی دیگر است که دولت از رهگذر آن‌ها، کارویژه‌های خود را انجام می‌دهد؛ بنابراین، اگرچه در ارکان و نهادهای دولتی به لحاظ فیزیکی، نوعی ناهمگرایی -چه به لحاظ تجمع کارکنان و مردم و چه به لحاظ ارتباطات فیزیکی بین نهادهای گوناگون- قابل مشاهده است، در پهنه‌ای دیگر، نوعی ارتباط کناکنشی بیشتر و حتی مؤثرتر بین اجزای دولت از یک سو، و کارکنان حکومتی و مردم در گره‌ها و شبکه‌های خدماتی از سوی دیگر (نسبت به روزهای پیشاکرونایی) قابل مشاهده است.

افزون بر نمونه‌های یادشده، می‌توان پدیده‌ها و موضوع‌های اجتماعی-سیاسی را با الگوی «واگرایی واقعی» و «همگرایی مجازی» بررسی و واکاوی کرد. با نگاهی دوباره به شیوه عملکرد چنین الگویی در نمونه‌های مطرح شده می‌توان به اختصار

نتیجه گرفت که واگرایی واقعی انسان‌ها به صورت فردی یا جمعی (گروهی) در پهنه‌های گوناگون اجتماعی-سیاسی و همگرایی بیشتر آن‌ها در فضای مجازی، به ویژه در کهکشان اینترنت از یک سو، و کناکنشی که بین این دو پهنه، یعنی فضای واقعی و فضای مجازی، رخ می‌دهد از سوی دیگر، شاید بتواند الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس‌های جدید را در حال و آینده نشان دهد.

۶. ایران و الگوی رفتارشناسی ویروس‌های جدید

برپایه الگوی تحلیلی نوشتار حاضر، در ایران نیز شروع روند واگرایی در فضای اجتماعی-فیزیکی جامعه، پس از شنیدن اخباری مبنی بر گسترش ویروس‌های جدید در برخی از نقاط کشور، از تعطیلی کلاس‌های آموزشی دانشگاه به گونه‌ای خودانگیخته شروع شد و در پی تعطیلی چندین دانشگاه به صورت رسمی (همچون دانشگاه قم، شیراز و اراک)، با دستور رئیس‌جمهور -و در راستای پذیرش مصوبه ستاد ملی مبارزه با کرونا- دانشگاه‌های مناطقی که آلوده به کرونا بودند، تعطیل شدند؛ همچنین، با مصوبه این ستاد، نماز جمعه آن هفته نیز تعطیل شد^(۸). پس از چند روز، با موافقت ستاد یادشده و مقامات مربوطه، کارکنان بخش‌های گوناگون اجرایی، بانک‌ها، نهادها، و مؤسسه‌های مالی و اعتباری، به جز کارکنان بخش بهداشت و درمان، در صورت داشتن بیماری‌های زمینه‌ای می‌توانستند ساعت‌های کار خود را کاهش دهند و به صورت دورکاری فعالیت کنند^(۹). با ادامه روند گسترش ویروس‌های جدید، به طیف گسترده‌تری از بخش‌ها و مناطق، از یک سو روند تعطیلی، کاهش فعالیت و ساعت‌های کار اداری، افزایش یافت و از سوی دیگر، سخت‌گیری‌های خودمراقبتی و راهکارهای دیگر مقابله با آن، مورد توجه جدی قرار گرفت؛ شاید مهم‌ترین جلوه این امر، راهکار قرنطینه خانگی یا به تعبیر گسترده‌تر، راهکار فاصله‌گیری اجتماعی بود که در تاریخ چهارم اسفند توسط وزیر بهداشت اعلام شد؛ وی از مردم خواست، با اعمال قرنطینه خانگی، پرهیز از روبوسی، نرفتن به نقاط پرجمعیت، و استفاده نکردن از وسایل شخصی مشترک، از سرایت ویروس کرونا جلوگیری کنند^(۱۰). راهکار قرنطینه استان‌ها و مناطق نیز در این راستا مطرح شد که در میانه اسفند، پانزده استاندار اعلام کردند که با توجه به تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین، نزدیکی تعطیلات نوروزی، به دلیل

گسترش ویروس کرونا، از پذیرش مسافران و تمام افراد غیربومی در استان‌های خود، خودداری خواهند کرد^(۱۱)؛ از این رو، محدودیت‌های یادشده در قالب تعطیلی برخی از مراکز عمومی و خصوصی، قرنطینه خانگی، لغو سفرهای استانی، کاهش ساعت‌های کار اداره‌ها و مؤسسه‌ها و... که تاکنون نیز کم‌وبیش ادامه داشته است— به‌خوبی گویای واگرایی یا افزایش فاصله در فضای واقعی و عینی جامعه است. به‌عبارت روشن‌تر، با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی موجود، مقامات سیاسی و اجتماعی و نیز افکار عمومی، راهکار مقابله با بحران پیش‌آمده را کاهش نزدیکی افراد و گروه‌ها، چه در قالب مراکز عمومی و خصوصی و چه در سطح جغرافیایی (یعنی کاهش رفت‌وآمد افراد در شهرها و استان‌ها) دانستند و این راهکار، یعنی واگرایی واقعی، را تازمانی که یک راهکار جایگزین یافت نشود، کاربردی‌ترین و مناسب‌ترین اقدام به‌شمار آوردند؛ راهکاری که با وجود فرازوفرودها و ضعف در پیاده‌سازی مناسب آن، تاکنون نیز اجرا شده است.

اما سویه دیگر داستان الگوی رفتارشناسی ویروس کرونا (برپایه آنچه پیش‌از این مطرح شد)، مسئله همگرایی مجازی است که در بردارنده دو بُعد اساسی است: نخست اینکه، شبکه‌ها و گره‌های مجازی، شاهد مهاجرت یا گسیل دورازانتظار افراد به درون خود هستند و دوم، نزدیکی، شبکه‌ای شدن، و هدفمند شدن ارتباطات مجازی است. در مورد نکته نخست، آمار میزان مصرف اینترنت در ایران نسبت به دوره‌های پیش از گسترش ویروس کرونای جدید، نشانگر جهش یا رشدی غیرمنتظره است؛ براساس برآوردهای داخلی منابع و کارگزاران اپراتورهای گوناگون، میزان مصرف اینترنت، افزایش یافته و تقریباً دو برابر شده است. به‌گفته حسین فلاح جوشقانی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، «قبل از شیوع ویروس کرونا در سال گذشته، در بهمن ماه ظرفیت شبکه تلفن همراه نزدیک به ۷ هزار ترابایت بود، اما بعد از شیوع ویروس کرونا، این ظرفیت به ۱۱ هزار ترابایت در موبایل رسیده است^(۱۲)». همچنین، به‌گفته محمدرضا بیدخام، مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت مخابرات ایران، «مصرف اینترنت مشتریان مخابرات در اواسط اسفندماه، ۴۲۰۰ ترابایت بود که در آخر این ماه، میزان مصرف ترافیک داخلی و خارجی به ۸۲۰۰ ترابایت رسید... مصرف اینترنت اکنون تقریباً ۶۹۰۰ ترابایت است که نسبت به ترافیک مشابه سال گذشته، ۱۱۰ درصد افزایش

پیدا کرده است^(۱۳)». از آنجاکه شاخص مصرف بالای اینترنت نسبت به دوره‌های گذشته، (دست کم به لحاظ کیفی یا کمی) شاخصی معنادار است، افزایش یا تراکم بی‌سابقه استفاده از شبکه‌ها و داده‌های اینترنتی در این دوره نسبت به دوره‌های پیشین، مشهود و ملموس است. در مورد بُعد دوم همگرایی مجازی، یعنی شبکه‌ای شدن، کوتاه شدن ارتباطات و تعاملات و هدفمندتر شدن آن در این دوره، توجه جامعه سیاسی-اجتماعی ایران به این مقوله را نیز به خوبی نشان می‌دهد. نمونه آشکار این امر - که مهم‌ترین جلوه آن نیز به شمار می‌آید - احساس ضرورت ایجاد و توسعه دولت الکترونیک در ایران در این دوره نسبت به دوره‌های پیشین است. با اینکه ضرورت ایجاد و توسعه دولت الکترونیک در ایران در برنامه ششم پیش‌بینی شده بود، اما هیچ‌گاه به اندازه امروز احساس نشده است. طرح غربالگری ایرانیان از ابتدای گسترش ویروس کرونا، رفع همپوشانی بیمه‌ها، راه‌اندازی سامانه «سجاد» توسط وزارت علوم، تقویت زیرساخت‌های الکترونیکی بانکی و مالی و... در روزهای کرونایی، نشانگر ایجاد احساس نیاز در مسئولان در راستای یافتن راه‌حلی برای برخی از مشکلات موجود در مسیر رویارویی با بحران پیش‌آمده بوده است؛ همچنین، تعیین مهلت دولت برای راه‌اندازی غیرحضوری یا الکترونیکی ۴۰ مجموعهٔ پرکاربرد دستگاه‌های اجرایی در مدت یک ماه، اهمیت فضای مجازی را برای انجام کارویژه‌های دولت نشان می‌دهد.

اکنون، در مورد میزان تطبیق الگوی پژوهش با موضوع‌ها و پدیده‌های گوناگون در ایران، از جمله موضوع‌ها و پدیده‌های پیشنهاد شده در این نوشتار، می‌توان گفت، شرایط سیاسی-اجتماعی ایران نیز از این الگوی رفتارشناسی پیروی می‌کند؛ به عنوان نمونه، در مورد پدیدهٔ منطقه‌گرایی، یعنی کاهش ارتباطات فیزیکی استان‌ها و مدیریت منطقه‌ای، روند واگذاری برخی اختیارات، دست‌کم در ابتدای گسترش بحران کرونا توسط دولت مرکزی، به سبب فشار افکار عمومی از یک سو، و توجه کارگزاران منطقه‌ای و اهالی منطقه به فراگیری از تجربه‌های مناطق دیگر و افزایش قابلیت‌های منطقه‌ای از رهگذر فرصت‌های مجازی از سوی دیگر، امری مشهود و ملموس است.

بر اساس نظرسنجی ایسپا، دیدگاه افکار عمومی در مورد مسئلهٔ قرنطینه خانگی و کنترل هریک از نواحی با ظرفیت‌ها و مشکلات خاص خود، این‌گونه است:

«۸۹/۴ درصد از مردم، موافق قرنطینه خانگی هستند و در قالب شهروند-خبرنگار دارند از وضعیت شلوغی شهر و مسافرها می‌گویند و دولت را مسبب آن می‌دانند» (طاهری‌کیا، ۱۳۹۹: ۱۶۳). در همین راستا، در میانه اسفند، پانزده استاندار در ایران اعلام کردند که با توجه به تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین، نزدیکی تعطیلات نوروزی به دلیل گسترش ویروس کرونا از پذیرش مسافران و همه افراد غیربومی در استان‌های خود خودداری خواهند کرد.

افزون بر این، خبرهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی مبنی بر تشکیل ستادها و مراکز گوناگون در استان‌ها (همچون ستاد اجرایی پیشگیری از ویروس کرونا در دانشگاه‌ها)، شروع پژوهش‌های گوناگون برای مقابله با ویروس کرونا در مراکز آموزشی کشور، تشکیل مراکز و ستادهایی برای کمک‌رسانی به مناطق محروم، و مهم‌تر از همه، تقویت همدلی و حس همدردی با دیگران (صرف‌نظر از ناحیه یا منطقه) به کمک توسعه ارتباطات شبکه‌ای، گویای همگرایی و وحدت اجتماعی-سیاسی ایران به منظور عبور از بحران پیش آمده است. در مورد پدیده یا موضوع سرزمینی-ملی نیز کاهش ۹۰ درصدی ترافیک هوایی و حمل‌ونقل عمومی بین ایران و کشورهای دیگر در روزهای عید^(۱۴)، مراقبت از مرزهای بومی، و حتی بدبینی و نفرت از مسافران کشورهای دیگر (به‌عنوان نمونه، براساس پژوهشی، ابراز نفرت بسیاری از مردم دنیا از چین در توئیتر از زمان همه‌گیری ویروس کرونا ۹۰۰ برابر شده است^(۱۵))، ارائه راهکارهای بومی (به‌عنوان نمونه، در زمینه‌های تغذیه، بهداشت، و پزشکی مثل تولید واکسن کرونا) از مواردی هستند که فضای اجتماعی-سیاسی ایران را در لاک سرزمینی-ملی خود فرومی‌برند، اما در همین حال، پدید آمدن حس همدردی با افراد دیگر سیاره (به‌عنوان نمونه، سفیر چین در توئیتر خود نوشته بود: ملت چین و ایران برای مبارزه با ویروس کرونا در کنار یکدیگر می‌جنگند. قوی باش چین! قوی باش ایران!)، شناخت راهکارها و انتشار سریع آن‌ها در شبکه‌های اینترنت جهانی، و... نشانگر فراروی از مرزهای خودساخته بشری است که به کمک توسعه شبکه‌های سایبری، مرزهای جداکننده ملت‌ها و سرزمین‌ها را بیش از پیش کم‌رنگ می‌کند. ملت‌ها و سرزمین‌های جهان، از جمله ایران، شاید هیچ‌وقت (نسبت به دهه‌های اخیر) به اندازه امروز در کنار یکدیگر

احساس مشترک تلاش برای شکست دشمن مشترک را تجربه نکرده‌اند. نکته پایانی این بخش، تکرار این ادعا است که الگوی رفتاری این ویروس از یک سو، در موضوع‌ها و پدیده‌های گوناگون اجتماعی-سیاسی (چه در ایران و چه در نقاط دیگر جهان) قابل تطبیق و تحلیل است و از سوی دیگر، اثرگذاری مثبت یا منفی، یا به تعبیر کارکردگرایان، کژکارکرد یا کارکرد آن، تاکنون این گونه بوده است و احتمالاً در آینده نیز این گونه خواهد بود؛ بنابراین، تصور جهان جدید با مؤلفه‌های جدیدی که تفاوت اساسی‌ای با جهان پیشین داشته باشد، هنوز پذیرفتنی نیست.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر که با رویکرد رفتارشناسی، با به کارگیری روش تبیینی-علی و به گونه‌ای اکتشافی، با هدف «شناسایی الگوی رفتار سیاسی-اجتماعی ویروس کرونا» انجام شده است، به این نتیجه رسیده است که در نگاه نخست، در کنار دو مؤلفه طبیعی و مهم «شدت اثرگذاری» و «زمان اثرگذاری»، عوامل غیرطبیعی دیگری همچون مقاومت افراد، نوع ارزش‌ها، و... نیز در میزان تأثیرگذاری یا نقش ویروس کرونای جدید در تغییر یا اصلاح رفتار سیاسی-اجتماعی انسان‌ها دخیل هستند که با توجه به عدم شناسایی ابعاد گوناگون فیزیکی رفتار این ویروس از یک سو و پیچیدگی واکنش روانی و رفتاری انسان‌ها به آن از سوی دیگر، سخن گفتن از جهان پساکرونایی، به معنای آغاز پایان راهبردهای سیاسی موجود در سطح داخلی و بین‌المللی، هنوز بسیار شبیه‌آمیز است و تنها گذر زمان می‌تواند چنین انتظاری را آینده‌شناسی کند. چه اینکه، بسیاری از تحلیل‌های آینده‌شناسانه در مورد ویروس یادشده، برپایه پارادایم‌ها و پس‌زمینه‌های نظری حاکم بر ذهن آینده‌شناسان بوده است. دوم اینکه، اکنون که پیش‌بینی یا آینده‌پژوهی پیامدهای طبیعی و سیاسی-اجتماعی ویروس کرونای جدید، به عوامل گوناگونی بستگی داشته و مسئله آینده‌شناسی آن را بیش‌ازپیش دشوار کرده است، آیا راه و روشی وجود دارد که براساس آن بتوان دست‌کم رفتار سیاسی-اجتماعی این ویروس را در زمان حاضر بررسی، و (به‌رغم تردیدهای بسیار) روند احتمالی اثرگذاری آن را در آینده پیش‌بینی کرد؟

با اینکه نوشتار حاضر، هیچ‌گونه ادعایی در مورد پیش‌بینی آینده رفتار

سیاسی-اجتماعی ندارد، با توجه به مطالب ارائه شده براساس رویکرد رفتارشناسی سیاسی-اجتماعی، به نظر می‌رسد که الگوی واگرایی واقعی و همگرایی مجازی، مشهودترین و ملموس‌ترین الگویی است که رفتار سیاسی-اجتماعی کنونی این ویروس (و شاید یکی از مسیرهای آینده آن) را نشان می‌دهد. برای مخاطبان این مقاله، واگرایی واقعی در عرصه‌های گوناگون زیست انسان‌ها —چه به صورت فردی و چه به شکل جمعی— آشکارتر و قابل درک‌تر است، اما همگرایی مجازی سبب معنای مهاجرت افراد به خلوت‌خانه اینترنت و برقراری ارتباطات شبکه‌ای و چندبعدی در این محیط —(به‌ویژه در مسئله مورد پژوهش) کمتر مورد توجه بوده است. اگر همه ما به این نکته ساده توجه کنیم که دست‌کم نیمی از زمان بیداری‌مان را در فضای مجازی سپری می‌کنیم و زمان‌های صرف‌شده برای پیوندهای سنتی، قدیمی، مستقیم، و چهره‌به‌چهره با فامیل، اقوام، دوستان، و محیط کاری را با پیوندهای مجازی و جدید شبکه‌ای جایگزین کرده‌ایم، آن‌گاه معنا و پیامدهای زندگی مجازی را بهتر درک خواهیم کرد؛ فقدان چنین درکی، شاید به سبب ورود آرام و خزنده ابزارهای فضای مجازی به زندگی ما انسان‌ها باشد که یادآوری اثرگذاری فضای مجازی بر زندگی ما انسان‌ها را دچار مشکل کرده و مهاجرت فزاینده ما به فضای مجازی به منظور رفع نیازهای روزمره و ایجاد ارتباطات هدفمندتر و شبکه‌ای‌تر در روزهای کنونی را طبیعی جلوه داده است، اما با نگاهی به آثار نویسندگان ارتباطات و نیز موشکافی بیشتر حضور فضای مجازی در زندگی انسان‌ها و نیز روند فزاینده آن در دوره کنونی، قرار گرفتن الگوی همگرایی مجازی در کنار واگرایی واقعی، امری منطقی و طبیعی به نظر می‌رسد. بی‌تردید، شناسایی الگوی رفتار اجتماعی-سیاسی این ویروس و پدیده‌هایی از این دست و ترسیم مسیرهای احتمالی آن در آینده براساس رفتار و وضعیت کنونی آن، و رای‌ج‌ارو جنجال‌های ایدئولوژیک و پس‌زمینه‌های فکری و سیاسی، موجب برنامه‌ریزی عقلانی‌تر، هدفمندتر، و کم‌زیان‌تر مقامات سیاسی-اجتماعی ایران خواهد شد.*

یادداشت‌ها

1. <https://www.euractiv.com/section/economy-jobs/interview/chomsky-on-covid-19-the-latest-massive-failure-of-neoliberalism/>
2. <https://www.wsj.com/articles/the-coronavirus-pandemic-will-forever-alter-the-world-order-11585953005>
2. <https://www.cdc.gov/coronavirus/2019-ncov/prevent-getting-sick/social-distancing.html>
۳. منظور نگارنده از کاربرد عبارت‌های زندگی «کروناپی»، «پیشاکروناپی»، و «پساکروناپی»، تفکیک دوره‌های تاریخی زندگی انسان‌ها براساس این مفاهیم نیست، بلکه پیدایش شرایط جدیدی است که به‌ظاهر در برخی جنبه‌ها با زندگی پیش از پیدایش کروناپی جدید تفاوت داشته و ممکن است با پس از ناپدید شدن کروناپی جدید نیز متفاوت باشد.
۴. نرخ تبدیل به‌معنای نسبت درصد بازدیدکنندگان از یک سایت که عملی (مثلاً خریدی) را انجام می‌دهند، نسبت به کل بازدیدکنندگان از آن سایت اینترنتی است، (رجوع شود به: <https://www.wordstream.com/conversion-rate>)
5. <https://donya-e-eqtesad.com/>
6. Merriam-Webster Dictionary, available at: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/regionalism>
7. <https://donya-e-eqtesad.com/>
8. <https://www.hamshahrionline.ir/news/487449/>
9. <https://www.eghtesadbartar.com/>
10. <https://www.entekhab.ir/fa/news/531508/>
11. <https://www.trt.net.tr/persian/yrn/2020/03/07/15-stn-yrn-khwd-r-qrntynh-khrdnd-1373907>
12. <http://www.baeghtesad.com/>
13. <https://shahraranews.ir/fa/news/24475>
14. <https://www.imna.ir/news/417413/>
15. <https://www.mehrnews.com/news/4887541/>
16. <https://www.yjc.ir/fa/news/7258145/>

منابع

- افضلی، رسول؛ محمدجانی، مصطفی (۱۳۸۷)، «همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۱.
- آرون، ریمون (۱۳۶۶)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی (ج ۲)*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات مروارید.
- آگبرن، ویلیام ف؛ نیم کوف، مایر اف. (۱۳۵۳)، *زمینه جامعه‌شناسی*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- باتامور، تام؛ آوتویت، ویلیام (۱۳۹۲)، *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، *آموزش دانش سیاسی*، چاپ هفتم، تهران: نشر نگاه معاصر.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۹)، «از بحران کرونا تا بحران سیاست جنایی»، *مجله حقوق اسلامی*، سال هفتم، شماره ۶۴.
- خداپرستی، فرج‌الله (۱۳۹۵)، *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*، شیراز: دانشنامه فارس.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۸)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه محمدعلی کاردان، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روشه، گی (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی (کنش و سازمان اجتماعی)*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، انتشارات سمت.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی.
- صدیقی اورعی، غلامرضا؛ فرزانه، احمد و دیگران (۱۳۹۸)، *مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)*، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- طاهری‌کیا، حامد (۱۳۹۹)، «راهکارهایی برای استفاده از فضای مجازی در مبارزه با ویروس کرونا» ویژه‌نامه جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- عمید، حسن (۱۳۸۸)، *فرهنگ عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کشاورز، خدیجه (۱۳۹۹)، «ویروس کرونا، ما نظاره‌کنندگان نگران و توسعه روابط انسانی».

ویژه‌نامه جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. کولایی، الهه (۱۳۷۹)، «تحول در نظریه‌های همگرایی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، دوره ۴۸، شماره ۰.

ماحوزی، رضا (۱۳۹۹)، «کرونا ویروس و دوگانه ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم»، ویژه‌نامه جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

محمدی، یدالله (۱۳۷۱)، همگرایی و سیر تطور و تکامل آن (۱)، مجله علوم انسانی، دانشگاه امام حسین، شماره ۱، صص ۴۴-۵۷.

Aliakbari Dehkordi, Mahnaz, Eisazadeh, Fatemeh and Aghjanbaglu, Susan (2020), "Psychological Consequences of Patients with Coronavirus (COVID- 19): A Qualitative Study", *Iranian Journal of Health Psychology*, Vol. 2, No. 2, Serial No. 4.

Castells, Manuel (2001), *Internet Galaxy*, New York: Oxford University Press Inc.

Dijk, J. V. (2014), *The Network Society*, 3th edition, New York: SAGE Publications Ltd.

Gong, B., Shruai Zhang, Lingran Yuan and Kevin Z. Chen (2020), "A Balance Act: Minimizing Economic Loss While Controlling Novel Coronavirus Pneumonia", *Journal of Chinese Governance*, Vol 5, No.2.

Jenkins, Henry (2006), *Convergence Culture: Where Old and New Media Collide*, New York: New York University Press.

Lee, S. M., Kang, W. S., Cho, A., Kim, T. and Park, J. K. (2018), "Psychological Impact of the 2015 MERS Outbreak on Hospital Workers and Quarantined Hemodialysis Patients", *Comprehensive Psychiatry*, No.87, available at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7094631/>.

Long, Nicholas J. (2020), "From Social Distancing to Social Containment: Reimagining Sociality for the Coronavirus Pandemic", *Medicine Anthropology Theory Quarterly*, London: The London School of Economics And Political Science, available at: <http://eprints.lse.ac.uk/103801/>

Morin, Edgar (2020), "Ce Que Nous Dit le Coronavirus", *Libération magazine*, Mars 12, available at: https://www.liberation.fr/debats/2020/03/12/ce-que-nous-dit-le-coronavirus_1781476.

Ritzer, George (2009), *The McDonaldization of Society*, Los Angeles: Pine Forge Press.

Schaller, M., Murray, D. R. and Bangerter, A. (2015), "Implications of the Behavioural Immune System for Social Behaviour and Human Health in the Modern World", *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, No. 370, available at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4410372/>.

Sibley, C. G., et al (2020), "Short-Term Effects of the Covid-19 Pandemic and a Nationwide Lockdown on Institutional Trust, Attitudes to Government, Health and Wellbeing", *American Psychological Association*, available at: <https://psyarxiv.com/cx6qa>.

Smith, G. (1972), *Politics In Western Europe*, London: Heineman publication.

<https://www.euractiv.com/section/>

<https://www.wsj.com/articles/>

<https://www.cdc.gov/coronavirus/>

<https://www.statista.com/statistics/>

<https://www.wordstream.com/conversion-rate>

<https://www.nytimes.com/interactive/>

<http://www.baeghtesad.com/>

<https://shahraraneews.ir/fa/news/>

<https://donya-e-eqtasad.com/>

<https://www.merriam-webster.com/>

<https://www.trt.net.tr/persian/>

<https://www.imna.ir/news/>

<https://www.mehrnews.com/news/>

<https://www.yjc.ir/fa/news/>

<https://www.hamshahrionline.ir/news/>

<https://www.eghtesadbartar.com/>

<https://www.entekhab.ir/fa/news/>